

ترسل در عصر تیموری

سیدامیر جهادی*

چکیده

یکی از ادوار مهم و، در عین حال، کم‌تر شناخته‌شده تاریخ ادبیات فارسی در زمینه ترسل و دبیری عصر تیموری است. در این مقطع تاریخی منشیان بزرگ و نامداری چون عبدالواسع نظامی هروی، یوسف اهل، محمدعلی بن جمال‌الاسلام، معین‌الدین اسفزاری، ملاحسین واعظ کاشفی، شهاب‌الدین عبدالله مروارید (بیانی کرمانی)، خواجه جهان، جامی، و خواندمیر ظهور کردند و آثار ارزشمند و مهمی در انشا و نامه‌نگاری برجای نهادند؛ آثاری که برخی از آن‌ها، مانند ریاض‌الانشاء قاوان و منشآت جامی، صرفاً مجموعه‌منشآت دیوانی یا اخوانی کاتبان‌اند و گروهی نیز، مانند ترسل اسفزاری و مخزن‌الانشاء کاشفی، به بیان مبانی نظری دبیری و کتابت همراه با نمونه‌نامه‌ها پرداخته‌اند. در این مقاله، علاوه بر آشنایی با جریان کلی کتابت و دبیری در عصر تیموری و بیان موازین نظری و عملی ترسل و انشا در این عصر، به معرفی محتوایی، سبکی، و ساختاری آثار ممتاز ترسل و انشا نیز پرداخته شده است تا نمایی کلی از کتابت این دوره و میزان تقلید یا نوآوری منشیان به‌دست داده شود.

کلیدواژه‌ها: ترسل، عصر تیموری، کتابت و انشا.

1. مقدمه

رسائل و مکاتیب باقی‌مانده از ادوار گوناگون تاریخی از انواع مهم نثر فارسی به‌شمار می‌روند و از جهات مختلف حائز اهمیت و درخور مطالعه، تحقیق، و بررسی‌اند. این نامه‌ها، که خوشبختانه از طوفان حوادث روزگار در امان مانده، حاصل قلم نویسندگان و

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان jahady2000@gmail.com

تاریخ دریافت: 1393/3/1، تاریخ پذیرش: 1393/5/13

ادیبان نامداری است که در طول تاریخ ادبیات از شهرت و آوازه‌ای بلند برخوردار بوده و برخی از آنان آثار و تألیفات ارزنده‌ای به نظم و نثر از خود به یادگار گذاشته‌اند. نوشته‌های مذکور از منظرهای گوناگون ادبی، تاریخی، اجتماعی، و سیاسی ارزش و اهمیت به‌سزایی داشته و پرداختن به آن‌ها در حیطه تحقیقات تاریخی و پژوهش‌های ادبی ضروری می‌نماید. با مطالعه و بررسی دقیق این آثار می‌توان به نکات و دقایق دستوری و لغوی، چگونگی کاربرد صنایع ادبی و سایر ویژگی‌های سبک‌شناسی، اسلوب بیان در ترسل، و شیوه نگارش مکاتبات رسمی و دیوانی که در دربارها رایج بوده، نیز از سبک نگارش نامه‌های خصوصی (اخوانیات) آگاه شد.

بسیاری از منتقدان دوره تیموری را خاتمه ادبیات کلاسیک فارسی می‌دانند، زیرا در این مقطع زمانی گروهی از آخرین بازماندگان و استادان مشهور ادب فارسی سر برمی‌آورند؛ از جمله جامی، کاشفی، کمال‌الدین حسین خوارزمی، خواجه جهان، و اسفزاری. از طرفی، در سایه حکومت هنردوست و ادب‌پرور جانشینان تیمور، به‌ویژه سلطان حسین بایقرا، هرات و سمرقند مأمنی برای بسیاری از بزرگان، علما، ادبا، و هنرمندان می‌شود و شاعران و مؤلفان در چنین محیطی آثار ارزشمند بسیاری به رشته تحریر درمی‌آورند. یکی از ویژگی‌های این دوره تألیف آثار بسیاری در خصوص کتابت و انشاست. برخی از این آثار تا کنون به‌چاپ نرسیده است و به تعدادی از این آثار، به‌رغم طبع و نشرشان، آن‌گونه که باید توجه نشده و درباره آن‌ها تحقیقی انجام پذیرفته است. بدین روی، در این مقاله نگارنده کوشیده است به پرسش‌های ذیل درباره ترسل و کتابت در دوره تیموری پاسخ دهد:

اولاً، جریان کلی ترسل و انشا در دوره تیموری به لحاظ سبکی، ساختاری، و موضوعی چیست؟ ثانیاً، آثار مرتبط در این حوزه در چه دسته‌هایی جای می‌گیرند؟ ثالثاً، مهم‌ترین آثار ترسل و انشای این دوره کدام‌اند و به لحاظ موضوعی، سبک، ساختار، و محتوا چه ارزش‌هایی دارند؟

در خصوص پیشینه پژوهش شایان ذکر است که درباره گونه‌های ترسل و نیز بررسی و مطالعه آن در برخی ادوار ادب فارسی مقالاتی نوشته شده است؛ از جمله مقاله «ترسل و انشای فارسی از آغاز تا قرن ششم»، نوشته اسدالله واحد. اما، تا کنون مقاله‌ای در باب موضوع این مقاله نگاشته نشده است. با این حال، می‌توان مطالبی را در آثاری چون سبک‌شناسی مرحوم بهار و تاریخ ادبیات در ایران، تألیف دکتر صفا، یافت که مختصر و گذرا اشاره‌هایی کرده‌اند. روش کار توصیفی - تحلیلی است؛ بدین صورت

که نخست جریان کلی کتابت و انشا در این عصر بیان می‌شود. سپس، آثار مطرح در این زمینه بررسی خواهند شد.

2. ترسّل و انشا در دوره تیموری

در ترسّل یا هنر نامه‌نگاری و فنّ کتابت از آیین نویسندگی، روش و دستور آن، و ایجاد کلامی که معانی را برساند سخن به میان می‌آید، خواه قانون‌ها و قاعده‌های آن گفته شود، خواه نمونه‌ای از هر گونه نامه و اجزای آن را نشان دهند (دانش‌پژوه، 1350: 27).

منشآت نویسی یا نامه‌نگاری ... به عنوان یکی از فنون انشا و نویسندگی، در گستره فرهنگ و ادب فارسی، جایگاه ویژه‌ای دارد. آثار برجای‌مانده از دیرزمان با عناوینی دیگر همچون «نامه‌ها»، «مکاتبات»، «مکاتیب»، «مکتوبات»، «مراسلات»، «رسایل»، «رقعات»، و «توقیعات» به غیر از جنبه‌های ادبی و زبان‌شناسی فرازهایی از اوضاع تاریخی، اجتماعی، و فرهنگی را می‌نمایاند. منشآت اسم مفعول به صیغه جمع مؤنث از مصدر «انشاء» و مفرد آن «منشأة» است (مهدی‌زاده، 1378: 64).

منشآت را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «مجموعه‌نامه‌های دیوانی یا دوستانه که منشی دیوانی یا نویسنده غیر دیوانی نوشته باشد» (صالحی، 1380: 55). دوره تیموری یکی از اعصار مهم تاریخ و ادبیات فارسی به لحاظ کیفیت و کمیت تألیف آثار ترسّل و انشاست.

از میان آثاری که از قدیم درباره فن نویسندگی و آیین نگارش باقی مانده است مقالات و کتاب‌های ذیل به ترتیب تقدم زمانی قابل ذکرند: مناظرالانشاء از خواجه عمادالدین محمود گاوآن ملقب به «صدر جهان»؛ رساله منشآت نوشته عبدالرحمان جامی؛ کتاب ترسّل یا انشاء تألیف معین‌الدین اسفزاری، ادیب دربار سلطان حسین بایقرا؛ مخزن‌الانشاء و صحیفه ثانی از ملأحسین واعظ کاشفی سبزواری (رزمجو، 1374: 257).

از دیگر آثار این دوره می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره کرد:

ریاض‌الانشاء گاوآن، منشأالانشاء نظامی هروی، همایون‌نامه شهاب منشی، فرائد غیائی یوسف اهل، منشآت میبدی، منشآت و شرف‌نامه خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروارید، نامه‌نامی خواندمیر، و ترسّل اسفزاری.

گرایش کلی ترسّل و انشا در دوره تیموری به نثر فنی و مصنوع است و اغلب مترسّلان این دوره، چه در سلطانیات و چه در اخوانیات و سایر اقسام مکاتبه به شیوه تصنع و تکلف نظر دارند.

هنگام بحث درباره منشآت مصنوع این زمان نباید دیباچه کتاب‌ها را فراموش کرد که به عادت قدیم مؤلفان در تحریر آن‌ها تکلف و تنوقی خاص به خرج می‌دادند (صفا، 1383: 469/4).

سردسته مترسلان متصنع این دوران خواجه جهان عمادالدین محمود قانوان است که در انشای نثر مزین به اقصای غایت کوشیده است (همان: 468). از دیگر کاتبان فنی‌نویس می‌توان به عبدالواسع نظامی هروی، جامی، خواندمیر، اسفزاری، و کاشفی اشاره کرد. شیوه نگارش نامه‌های دیوانی و مناشیر عهد تیموری دنباله همان سبک نامه‌نگاری دوره مغول است، یعنی رعایت ساده‌نویسی، ایجاز و اختصار، پرهیز از عبارت‌پردازی‌ها و لفاظی‌های بی‌مورد، و ایراد القاب و عناوین¹ و نعوت مرکب که در مکتوبات قرن ششم معمول بود. با این حال، گروهی از دبیران درباری به تقلید از معاییر ترسل و انشای قرون ششم و هفتم پرداخته و به سنت‌های دیرین ترسل پایبند بوده‌اند. این شیوه بیش‌تر در اواخر دوره تیموری و بعد از زمان شاهرخ قوت‌گرفت و باید گفت تاریخ ظفرنامه تیموری، تألیف شرف‌الدین علی یزدی، در سبک مکاتیب اواخر این دوره، مخصوصاً در عهد صفویه، اثری عمیق داشته است و منشیان و مترسلان این دوره بیش‌تر مضامین ادبی و آرایش الفاظ را از مندرجات کتاب مذکور اقتباس می‌کردند (بهار، 1386: 3/202).

آثار ترسل و انشای این دوره را می‌توان در اقسام ذیل - با این توضیح که برخی از آثار در چند دسته می‌گنجد - طبقه‌بندی کرد:

- یک دسته از مجموعه منشآت که جنبه‌های ادبی و زبان‌شناختی آن‌ها بر جنبه‌های دیگر برتری دارد، مانند منشآت جامی، ریاض‌الانشاء گاوان.

- طبقه دیگری از منشآت که به سبب آموزش فن کتابت و نویسندگی فراهم شده‌اند و در آن‌ها بیش‌تر نظر به انشا و طرز نامه‌نگاری بوده است و در برخی از این آثار نویسندگان به آموزش اصول و قواعد کتابت و انشا مبادرت ورزیده‌اند و بعضاً عاری از مضامین واقعی‌اند؛ منشآت از این دست را غالباً منشیانی چیره‌دست و درباری برای هنرنامه‌ی در فن ترسل انشا کرده‌اند. بنابراین، بعدها برای آموزش عملی و نظری انشا الگوی هنرجویان این رشته و حتی دبیران قرار گرفته‌اند، مانند مناظرالانشاء گاوان، مخزن‌الانشاء ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری، ترسل اسفزاری، و منشآت خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروارید.

- دسته دیگری از منشآت با عنوان «مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی (و سیاسی)» شناخته شده‌اند. این قبیل مکاتبات و نامه‌ها، که در زمره نامه‌های درباری و به اصطلاح قدیم

از قبیل «سلطانیات» اند، در هر صورت اسناد دولتی و مکاتبات رسمی سلاطین و امرا و فرمان‌ها و احکام و وقف‌نامه‌ها و امثال آن‌ها در زمره مهم‌ترین منابع تاریخی به‌شمار می‌آیند (صالحی، 1380: 55-56)، مانند منشأ الانشاء نظامی هروی، همایون‌نامه شهاب منشی، فرائد غیائی یوسف اهل، منشآت میبدی، ریاض الانشاء گاوان، شرف‌نامه خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروارید، نامه نامی خواندمیر، و ترسئل اسفزاری.

اسناد تاریخی شامل کلیه فرمان‌های سلطنتی، مکاتبات سیاسی، معاهدات، نوشته‌های اداری، اسناد قضایی و مالی و حقوقی، گزارش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نظامی، و برخی از مکاتبات خصوصی دوستانه و خانوادگی می‌باشند که در قدیم به آن‌ها «سلطانیات»، «دیوانیات»، و «خوانیات» می‌گفتند² (فائم‌مقامی، 1350: 3).

3. آثار برگزیده ترسئل و انشا در دوره تیموری

1.3 منشآت میبدی

قاضی حسین بن معین‌الدین میبدی از علما، فلاسفه، و ادبای مشهور دوره تیموری است که از وی آثار متعددی باقی مانده است. شهرت اصلی وی به واسطه اشتغالش به منطق و حکمت است (صفا، 1383: 4/99، 100، 115). حسین میبدی، علاوه بر سایر رشته‌های علمی، در شعر و ادب نیز دستی داشته و به «منطقی» تخلص می‌کرده است (میبدی، 1356: 18، مقدمه).

با نگاهی گذرا به منشآت میبدی درمی‌یابیم که او به منشآت از دیدگاه ترسئل و نوع حکومتی و اداری آن ننگریسته است، زیرا این قسم خود نوعی منصب درباری محسوب می‌شود. مجموعه‌نامه‌های وی آینه‌ای تمام‌نما از زندگی شخصی اوست و از این رهگذر منشآت وی بیش‌تر شخصی و حسب‌حال‌گونه است، زیرا بسیاری از نکات حائز اهمیت راجع به زندگی او از خلال نامه‌ها دریافت می‌شود.

نامه‌های وی اغلب از نوع اخوانیات‌اند و بدین لحاظ فاقد جنبه رسمی‌اند. موضوع این نامه‌ها عبارت است از: شکایت «از وضع روزگار و کساد بازار علم و علما، شکایت از ابنای زمانه، نالیدن از سعایت‌ها و سخن‌چینی دشمنان» (همان: 22-24).

آن‌چه که از نامه‌ها می‌توان استنباط کرد تزلزل روحیه بیش از حد اوست که در سراسر عبارات جلوه‌گر است و به ضعف روانی میبدی دلالت دارد. وی حتی برای رسیدن به مقام،

که بسیار علاقه‌مند بدان است، ممدوح را به حد عصمت و طهارت و تقدس رسانده و از تزویر و تملق به افراط پرهیز نمی‌کند و در هر نامه، که فرصتی می‌یابد، از خطاهای خود درخواست بخشش و طلب عفو می‌کند (همان: 24).

برخی از مکاتیب وی نیز حالت دفاعیه دارند و میبیدی به دفاع از عقاید و احوال خویش پرداخته است. در بسیاری از نامه‌ها نیز به استمداد و یاری‌خواستن از بزرگان دست می‌زند تا او را بر منصب قضاوت ابقا کنند و چون «توانسته است که کاری از پیش ببرد، از شغل قضاوت معزول می‌شود، به گوشه‌نشینی خود اشاره می‌کند» (همان: 27). «و علاوه بر توصیف وضعیت روزگار خود، به ذکر مقام دیوانی و ارتباطش با بزرگان و فرمانروایان آن دوران می‌پردازد» (صالحی، 1380: 79، 80).

منشآت میبیدی دارای ساختار خاصی نیست. به لحاظ فصل‌بندی نیز نظم و ساختار منطقی و مشخصی در اثر وجود ندارد. میبیدی فقط به آوردن نمونه‌های مکتوبات خویش، بدون توجه به هیچ نظمی، مبادرت کرده و اقسام گوناگون نامه‌ها را چون اجوبه و اخوانیات در کنار هم ذکر کرده است.

دیباچه‌ی اثر بسیار مختصر و کوتاه نوشته شده است. میبیدی منشآت خویش را این‌گونه معرفی می‌کند:

این نسخه‌ای است جامع منشآت فقیر حقیر مستفید از فیض سرمدی، حسین بن معین‌الدین میبیدی، که به التماس عزیزان محبت‌شعار و اقتباس دوستان مودت‌دثار منتقل می‌شود از سواد به بیاض (میبیدی، 1356: 39).

سبک اثر همان سبک کلی و عمومی منشآت دوره تیموری است، جز این‌که سبک نثر این کتاب اندکی به سمت نثر مصنوع متمایل است. از دیگر ویژگی‌های بارز این اثر، که خود مختصه‌ای سبکی و عمومی است، کاربرد آرایه‌ی بראعت استهلال در صدر نامه و مکتوب است. از ویژگی‌های بارز این اثر استشهاد به شعرهای بسیار فارسی است که مؤلف در متن نامه استفاده کرده و اغلب این اشعار از حافظ است. در میان مکاتیب فارسی این اثر تعدادی نامه عربی هم دیده می‌شود. سجع‌پردازی، انواع جناس، و تشبیه و آرایه‌های بدیعی و بیانی نیز از نگاه نویسنده دور نمانده و جای جای کلام از آن‌ها بهره برده است. به لحاظ حجم، نامه‌های اثر نسبتاً متوسط است و اغلب روی در ایجاز دارند تا اطناب. میزان بسیار زیادی از نامه‌ها در زمره اخوانیات به‌شمار می‌آیند و نویسنده رکن شرح اشتیاق را به گونه‌ای زیبا و نسبتاً تأثیرگذار درج نموده است.

2.3 منشآت مروارید

خواندمیر در نامه نامی منشآت را به سه گونه طبقه‌بندی می‌کند: 1. کتاب‌های تاریخ و قصص؛ 2. منشورها و نامه‌های دیوانی؛ 3. انشای مکاتیب بر اسلوب غریب. و بعد از ذکر ویژگی هر یک از اقسام سه‌گانه می‌نویسد:

بعضی از فضلا در اقسام ثلاثه کامل بوده‌اند ... مانند افتخارالفضلا مولانا شرف‌الدین علی یزدی و مقلد جناب عالی مقدار خواجه شهاب‌الدین عبدالله صدر (خواندمیر، نسخه خطی نامه نامی: 41).

یکی از مناصب عبدالله مروارید در دربار حسین بايقرا تصدی دیوان رسالت و پروانه بود که کار آن سرپرستی و سامان‌دهی مکاتیب دولتی، فرمان‌ها و احکام دیوانی، رقعات و منشورات و جوازا و توقیعات بوده است. عبدالله مروارید بخشی از رسایل و مکاتیب و منشآت خود را در کتابی فراهم آورده که هانس روبرت رویمر آلمانی آن را به اسم شرف‌نامه با ترجمه و تحقیق و تفسیر در سال 1951 میلادی در آلمان به چاپ رسانده است (بیانی کرمانی، 1390: 34، مقدمه؛ صالحی، 1380: 80).

سام میرزا صفوی، در تحفه سامی، منشآت مروارید را با عنوان «ترسلی که محتوی است بر مکاتیب و مناشیر و در میان فرق مردم مشهور است» یاد می‌کند (1384: 103-104).

عبدالله مروارید، در ایام عزلت، به خواهش دوستان و آشنایان، نامه‌ها و فرمان‌ها و احکام و نشان‌ها و رقعه‌ها و انشاهایی را که در زمان حکمرانی حسین بايقرا قلمی کرده بود جمع آورد و مرتب ساخت (بیانی کرمانی، 1390: 41).

در دیباچه منشآت مروارید آمده است:

به عرض می‌رساند مسود این ارقام، فقیر مستهام، عبدالله بن محمد المروارید، که بعضی از اصحاب فهم و ذکا التفات و اعتنا به حال این بی‌مقدار داشته، مرقومات کلک عجز و نامرادی این خاکسار را طلب می‌نمودند و از آن‌جا که به کمال عطوفت خاطر شکسته را تشحیدی می‌فرمودند، بنابراین، نبذی از مسودات بی‌حاصل و شطری از مرقومات بلاطایل، که املائی آن اتفاق افتاده بود ... جمع ساخته در قلم آمد (همان: 41-42، به نقل از شرف‌نامه: 2).

پس از چاپ کتاب رویمر، استاد ایرج افشار در مقاله‌ای، که به سال 1331 در مجله مهر نوشت، به معرفی و بیان اهمیت آن پرداخت:

شرف‌نامه مجموعه‌ای از 126 مکتوب اثر قلم خواجه عبدالله مروارید. این نامه‌ها دو گونه است: بخشی نامه‌های دیوانی است، یعنی نامه‌هایی است دولتی که به اشخاص مختلف

نوشته شده است؛ بخشی دیگر نامه هایی است شخصی که خواجه عبدالله خطاب به دوستان و همکاران خود تحریر کرده است ... بی گمان، مهم ترین بخش این مجموعه، که در روشن شدن نکاتی از تاریخ و سرگذشت رجال آن زمان متضمن فواید بسیار است، قسمت نامه های دولتی است. این نامه ها متضمن پاره ای از مسائل مربوط به حقوق اداری آن روزه نیز هست که در نوشتن و فراهم آوردن تاریخ حقوق اداری فواید بسیاری را عاید می سازد (همان: 42، به نقل از مقاله ایرج افشار).

در شرف نامه رعایت ترتیب خاصی در آوردن نامه ها نشده، اما مترجم ترجمه نامه ها را، بر حسب موضوع، مرتب ساخته است؛ چنان که نخست مکاتیبی را که مربوط به «صدارت» است آورده و، پس از آن، به ترتیب نامه های مربوط به قاضی ها، نقیب القبا، محتسبین، مدرسین، شیخ الاسلام، و جز این ها. قسمت دیگری که مترجم افزوده تعلیقات و یادداشت های مفیدی است در توضیح هر یک از مشکلات و اصطلاحات و عناوین و مقامات و مناصب مندرج در این نامه ها؛ چنان که هر یک از مناصب «صدارت»، «شیخ الاسلامی»، «قضا»، و «تدریس» را مشروحاً یادآور شده است. کتاب شرف نامه در زمان فراهم آورنده آن و تا سالیان بعد نمونه نامه نویسی بود (همان: 42، 43، به نقل از شرف نامه، انشای مروارید: 642-643).

منشآت مروارید در فهرست نسخه های خطی فارسی به نام «ترسّل» و «شرف نامه» خوانده شده و سعید نفیسی آن را «شرفیه» نامیده و در آلمان به اسم «شرف نامه» چاپ شده است (همان: 43). متن منشآت مروارید، با وجود اهمیت بسیار، تا کنون تصحیح و چاپ نشده است. در بعضی منابع، مثل *روضه الصفا*، منشآت مروارید «ترسّل»³ نامیده شده است. ظاهراً کتاب ترسّلی که خواندمیر در شمار آثار مروارید آورده از این دست کتاب ها بوده و باید آن را اثری جدا از منشآت دانست. ترسّل مروارید تا قرن اخیر رایج بوده و به کار نوآموزان می آمد (همان: 44؛ نفیسی، 1363: 1/260).

3.3 ترسّل مروارید

همان طور که پیش تر نیز ذکر شد، مروارید کرمانی غیر از شرف نامه ترسّلی داشته است. ذیلاً به بحث و بررسی این اثر خواهیم پرداخت.

این اثر ساختار دقیق و منظمی دارد و بیش تر به کار نوآموزان می آمد؛ از این روی، این کتاب بیش تر آموزشی است. مؤلف آن مبانی نظری و علمی انشا و ترسّل را نه تنها برای کاتبان و منشیان درباری، بلکه برای سایر اقشار و طوایف جامعه می نگارد و در ذیل هر موضوع، با دقت و موشکافی، مسائل مربوطه را بیان می نماید: «باب هفتم در بیان مراتب

القاب هر کس» (خواجه عبدالله مروارید، نسخه خطی منشآت مروارید: 13 a). البته، از نمونه‌های عملی نامه‌نگاری نیز سود برده است (همان: 34 b)؛ «باب دهم خطاب پادشاه» (همان: 20 a)؛ «در جواب خطاب پادشاه» (همان: 21 b). نمونه و الگوهای عملی نامه‌نگاری نیز در ذیل هر فصل و عنوانی از اثر آمده و در ذیل هر خطاب، مانند به شاعران، وزیران، امرا، پادشاه.

بخشی از پایان کتاب نیز به امور استیفا و حساب‌رسی اختصاص یافته است: «حساب ذراع، حساب درخت، حساب ریاحین، حساب وزنه، در حساب کمان و شمشیر و ...» (همان: 107 a). و در ذیل هر یک از عناوین نویسنده نمونه خاص آن مورد را ذکر کرده است: «فصل در حساب» یا «وقف‌نامه» (همان: 205 a). حتی بخشی از کتاب به ازدواج و طلاق اختصاص یافته است: «قسم سیم در مناکحه و طلاق» (همان: 183 a). منشآت یا ترسّل مروارید چون اثری آموزشی و علمی است، سبک نثر آن ساده است. نثر این اثر در بخش نظری ساده و در بخش بیان نمونه و الگوها فنی و مزین است.

4.3 ریاض‌الانشاء خواجه جهان

ریاض‌الانشاء، اثر خامه نویسنده توانا، خواجه جهان عمادالدین محمود گاوآن، از بزرگ‌مردان عرصه سیاست و ادب در دوره تیموری و در هندوستان و دربار شاه بهمن دکنی، است. نمونه انشا و نیز شیوه کتابت خواجه جهان الگویی برای کاتبان و مردم به‌شمار می‌آمد. همان‌گونه که مؤلف در دیباچه ریاض‌الانشاء می‌نویسد، این اثر مجموعه نامه‌هایی است اعم از اخوانیات و اجوبه، که نویسنده به سلاطین و بزرگان عصر، چون جامی و خواجه عبیدالله، نوشته است. گاوآن در باب علت تألیف اثر می‌نویسد:

و با وجود وفور اشتغال و امور و وجوب مخاطبه و مجاوبه گاه گاه ... امتحان طبع کسلان به مراسله و مکاتبه مخادیم و یاران اقدام می‌نمود و قراضه از کان معانی به سورت آتش طبع در دارالضرب ضمیر مسبوك می‌ساخت و صفحه بیان آن را به اسم شریف سلاطین و اخوان مسکوک می‌داشت و در نظر صرافان بازار دانش سره می‌نمود ... اما چون از قریح خاطر فاتر بود، مستحق آن نمی‌دید که بر سبیل تألیف ثبت اوراق دفاتر گردد ... تا جمعی از دوستان، که هر یک از ایشان صدر محافل افاضل بودند ... به وجوب جمع و تألیف آن اجتماع نمودند. بنابراین، مکتوبی چند، که مسوده آن از عروض حوادث مجدده زمان محفوظ مانده بود ... در سلک تألیف انتظام داده و آن را کتاب ریاض‌الانشاء نام نهاد (گاوآن، 1938: 11-12).

این مجموعه از سرمشق‌های منشیان در هند شمرده می‌شد و در آن سامان شهرت بسیار داشت و هنوز هم معروف است (صفا، 1383: 4/508).

در باب سبک بیان و نحوه انشای *ریاض الانشاء* باید گفت که این اثر به نثر فنی مایل به مصنوع نگاشته شده است، البته با اطناب و تفصیل بسیار در توقیعات و القاب؛ چیزی که خود نویسنده به آن معترف است:

و در بعضی از مکاتیب این کتاب، که قبل از این در وقت کتابت لباس خطاب و جوابش موصوف به صفت اطالت و اسهاب نبود، در حین تألیف خیام عبارتش مزین به بساط بسط و مشید به اطناب اطناب ساخت (گاوآن، 1938: 13).

وی اثر خویش را الگو و نمونه‌ای فصیح برای مترسلان و بلغا معرفی می‌نماید:

تا جماعت مترسلان کیاست بضاعت را سبب ازدیاد مواد براعت گردد و موجب بصارت و مهارت در سلوک طرق صنعت ... و صورت جمع مکاتیب مطابق وضع نثر اسالیب گردد (همان: 14).

اثر مزبور نمونه‌ای عملی است و گاوآن فقط به ذکر نامه‌ها و مکتوبات خویش اکتفا کرده و از مبانی نظری کتابت کلامی به میان نیاورده است؛ فقط در پایان دیباچه چنین وعده می‌دهد:

بعضی از فواید قواعد انشاء، که آن را زبان قلم بلغا افشا نکرده است، مقدمه این رساله سازد تا سالکان بوادی طلب و جویندگان نقود علم و ادب را شروع مسالک ابداع و اختراع بر سبیل حسن بصیرت باشد (همان).

ریاض الانشاء مشتمل بر 148 مکتوب است و اغلب این نامه‌ها یا از زمره اخوانیات اند یا پاسخ آن‌ها. ذکر این نکته لازم است که میان خواجه جهان با برخی از بزرگان خراسان، چون جامی، خواجه عبیدالله احرار، و اسفزاری، رشته دوستی برقرار بوده و مکاتبات او و جامی در این میان از همه مهم‌تر است. اغلب اخوانیات با ابیات عربی و فارسی و بیان شرح اشتیاق آغاز می‌شوند.

5.3 مناظر الانشاء خواجه جهان

مناظر الانشاء اثر دیگر خواجه جهان است «در آیین ترسل و مباحث مربوط به بلاغت. متن این کتاب انشایی عالمانه مقرون به ترجمه دارد و حال آن‌که مقدمه با شیوه عالی نثر منشیانه ترتیب یافته است» (صفا، 1383: 4/508، 509).

کتاب *مناظر الانشاء* در آیین ترسل تألیف شده و در یک مقدمه و دو مقاله و یک خاتمه ترتیب یافته است. مقدمه کتاب مخصوص است به بیان ماهیت علم انشا ... و مقاله اول، که به چند «منظر» منقسم است، دارای این عنوان است: «فی تقسیم الکلام علی طریق اهل الانشاء و شرایط الکلمات المستعمله فی الانشاء» و عنوان مقاله دوم، که آن هم منقسم به چند منظر است، چنین است: «فی بیان الاقسام و الارکان و شرائط ما یکتب الناس بعضهم الی بعض»، و در این مقاله مخصوصاً به مراسلات دیوانی بیش تر توجه شده است (همان: 509).

در خاتمه کتاب از ماهیت خط و ضوابط آن سخن می‌رود. تقسیمات داخل مناظر این کتاب متضمن اجزای متعدد و حاوی اطلاعات دقیق و مشروح درباره مباحث بلاغت و فصاحت و قواعد ترسل و نظایر این مطالب است (همان).

«حاجی خلیفه در ذیل 'مناظر الانشاء' آن را از کتب نافعه شمرده و صاحب آن را از 'مشاهیر' وصف کرده» (همان، به نقل از *کشف الظنون*، ستون 1833).

قصد نویسنده از نگارش این اثر آن است که «رساله در علم انشا، که قواعد و ضوابط آن را افشا کند، مدوّن سازد» (گاو، نسخه خطی *مناظر الانشاء*: 7 a) «تا بر سیل ایجاب به تألیف این کتاب که مسمی به *مناظر الانشاء* شروع نمود» (همان). این اثر صرفاً به بیان مبانی نظری ترسل و انشا می‌پردازد و البته نویسنده به این مسئله توجه داشته است که دانش‌آموزان و طالبان به سهولت از آن استفاده کنند؛ بدین سبب می‌نویسد: «چون سهولت استفادت طالبان مطلوب خاطر بود، در توضیح عبارت کتاب اهتمام وافر نمود» (همان: 8 b). این کتاب ساختاری دقیق و منظم دارد. همان‌گونه که پیش‌تر مطرح شد، بخش گسترده‌ای از مطالب اثر درباره مبانی علم معانی و بیان است، مانند «الفصل الخامس فی التشبیه و ارکانه» (همان: 181 a) و فصل سوم مقدمه: «الفصل الثالث فی بیان البلاغه و الفصاحه» (همان: 30 b).

سبک نثر در مقدمه *مناظر الانشاء* فنی است و البته مایل به مصنوع، همراه با تکلف و تصنع و عبارت‌پردازی‌های بسیار نویسنده. اما، از آنجایی که این کتاب اثری علمی و نظری در باب کتابت و دبیری است، متن اصلی اثر حالت نثر علمی به خود گرفته و به نثر ساده البته مایل به فنی نوشته شده است.

6.3 منشأ الانشاء

مؤلف این اثر، شهاب‌الدین احمد خوافی، چنان که در مقدمه کتاب نیز متذکر است،

مسودات منشآت استادش، نظام‌الدین عبدالواسع نظامی، را به قصد و به منظور فراهم آوردن نمونه و الگویی از منشآت عالی برای استفاده ارباب دانش و بینش و کسانی که بخواهند در زمینه منشآت تتبع و تمرین کنند و راه و روش منشیگری را بیمایند، این کتاب را همانند آثار دیگری در این زمینه چون همایون‌نامه، منشآت معین‌الدین محمد زمجی اسفزاری، نامه نامی از خواندمیر، و منشآت فارسی حسین بن معین‌الدین میبیدی، به خواسته امیر بیگ، فراهم آورده است (نظامی هروی، 1357: 14، مقدمه).

آنچه ارزش منشأ‌الانشاء را به مراتب والاتر و بالاتر می‌برد ارزش معنوی و تاریخی و اسناد و مدارکی است که در این مجموعه از دوران تیموریان قرن نهم و اوایل قرن دهم آمده است. و این آثار به نحوی است که می‌تواند ما را به نحوه اداره مملکت و اوضاع اجتماعی ... ایران آشنا کند (همان).

چنان‌که در مقدمه منشأ‌الانشاء آمده است، نامش نظام‌الدین عبدالواسع است که به مناسبت نامش تخلص «نظامی» اختیار کرده بوده است ... نظام‌الدین عبدالواسع نظامی از بزرگ‌ترین منشیان قرن نهم ایران به‌شمار می‌رود ... در کتاب منشأ‌الانشاء نامه‌هایی از او می‌خوانیم که مناسبتش را با بزرگان و پادشاهان هم‌عصرش نشان می‌دهد ... همچنین در طی منشآت می‌خوانیم که بر بسیاری از کتاب‌های نویسندگان معاصرش مقدمه نوشته است (همان: 16، 17، مقدمه).

خواندمیر در کتاب دستورالوزراء از عبدالواسع نظامی به عنوان «سرآمد ارباب بلاغت و انشا» نام می‌برد که در این فن شهره بوده است (1356: 424، نقل به مضمون؛ نظامی هروی، 1357: 17، مقدمه).

کتاب منشأ‌الانشاء، گذشته از این‌که بهترین مجموعه و نمودار طرز و شیوه و سبک ترسل و منشیانه و معمول و متداول قرن نهم هجری است، از نظر تاریخی و دارابودن اسناد و مدارک در زمینه‌های مختلف نیز می‌تواند برای محققان تاریخ دوران تیموری اثری بدیع و بی‌نظیر باشد. همچنین، برای کسانی که در امور اقتصادی و اجتماعی دوران‌های مختلف در ایران به پژوهش می‌پردازند (نظامی هروی، 1357: 17، مقدمه).

«در این کتاب به آثاری برمی‌خوریم که ما را با مصطلحات معمول و متداول دیوانی و امور مالیاتی قرن هشتم و نهم آشنا می‌کند» (همان: 25).

سبک نثر این اثر، نظیر سایر آثار ترسل و انشای تیموری، فنی و مزین است و نویسنده به این امر توجه بسیار داشته است. این کتاب صرفاً یک مجموعه مکتوبات و منشآت نیست که در آن نامه‌ها پشت سر هم ذکر شده باشد، بلکه نویسنده طرح و ساختار منظمی برای ارائه‌کردن نامه‌های گوناگون در دیباچه پی‌ریخته و، طبق این الگو، به ذکر مکاتیب بسیار در

موضوعات گوناگون پرداخته است. این اثر در حکم نمونه و الگویی عملی است و عبدالواسع نظامی در باب مبانی نظری کتابت مطلبی بیان نکرده است. برخی از اقسام مکتوبات این اثر عبارت است از: مقدمه‌های بسیاری که بر کتب معاصران خود نوشته است، سلطانیات، مثال‌ها، منشورها، نشان‌ها، احکام و فرمان‌های سلطنتی، فتح‌نامه، وقف‌نامه، عرضه‌داشت، نامه به طبقات و مشاغل گوناگون جامعه از وضع و شریف و لوح کرسی قبور.

7.3 منشآت جامی

از دیگر منشآت مشهور دوره تیموری منشآت جامی، تألیف نورالدین عبدالرحمان جامی، شاعر و نویسنده مشهور این عصر، است.

نامه‌های عبدالرحمان جامی را می‌توان به دو گروه بزرگ تقسیم کرد:

1. نامه‌هایی که در مرکز مسائل خصوصی و خانوادگی و جداگانه قرار دارند؛

2. نامه‌هایی که موضوعات اجتماعی و فرهنگی را در بر کرده‌اند.

میان گروه نخست نیز نامه‌هایی هستند که به حالات مهم سیاسی و تاریخی و فرهنگی اشارت می‌کنند. بنا بر همین ضرورت است که نامه‌های جامی، صرف‌نظر از منسویبتشان به این یا آن گروه، به عنوان سند مهم تاریخی، ارزیابی می‌شوند (جامی، 1378: 19).

نامه‌های جامی، مانند هر منشآت دیگر، ویژگی‌هایی دارد، چنانچه ایجاز در اخبار، کتاباتی که تنها به نویسنده و گیرنده معلوم اند، پوشیده بیانی‌های انتقادی، معانی آرایبی برای مخاطب، و امثال این‌ها. از سوی دیگر، بیش‌تر نامه‌های جامی «یک‌طرفه‌اند»، یعنی به عنوان «پاسخ» نوشته شده‌اند و یا نامه «نخست» است و اما پاسخ ندارد (همان: 19).

بالاترین ارزش نامه‌های جامی، در نظر ما، این است که پاره‌هایی از زندگی خود او را روشن می‌نمایند و برای شناخت دقیق‌تر معاصرانش، مانند علیشیر نوایی، خواجه عبیدالله، حسین بایقرا ... و دیگران کمک می‌رسانند (همان: 19-20).

از نامه‌های جامی، علاوه بر شخصیت ادبی، روحانی، و سیاسی او، نفوذ و آبروی سیاسی او در نزد سلاطین نیز به نیکی مشهود است و این که او فردی صلح‌طلب بوده و همواره سلاطین را به رعایت حال مردمان و رعایا ترغیب می‌نموده است. از طرف دیگر، در خلال نامه‌های جامی به دوستی و مودت بسیاری که میان او و بعضی بزرگان خراسان، به‌ویژه امیرعلیشیر و خواجه جهان، برقرار بوده می‌توان پی‌برد.

در مجموعه مکاتیب جامی هم چند نامه به نام ملکالتجار هندوستان، یعنی همین عمادالدین محمود، است که استاد جام در آن‌ها داد سخن داده است. علت توجه خاص جامی به تحریر مکتوب‌های آراسته به خواجه جهان آن بود که خواجه نیز نامه‌های خود را که به خدمت استاد می‌فرستاد به آرایش تمام انشا می‌کرد (صفا، 1383: 4/ 507).

جالب این است که پژوهشگران، در میان نامه‌های جامی به علیشیر نوایی، یک نامه هم پیدا نکرده‌اند که خواهش خصوصی در بر کرده باشد. همه درخواست‌های جامی مربوط است به دفاع از منافع اقشار گوناگون جامعه آن روزگار (همان: 14).

ارزش نامه‌های عبدالرحمان جامی، به عنوان اسناد تاریخی، باز از این جهت بالاست که در آن‌ها اخبار مهمی درباره سیستم اندازستانی ماوراءالنهر و خراسان در سده پانزدهم میلادی دریافت می‌شوند (همان: 77).

و از بس که در این نامه‌ها در زمینه اشخاص واقعی درخواست به عمل آمده است حکم سند تاریخی پیدا کرده‌اند (همان). بسیاری از اصطلاحات دیوانی، استیفا، و حقوقی دوره تیموری از خلال منشآت جامی برداشت شده و درخور مطالعه است.

منشآت جامی ساختار دقیق و منظمی ندارد. نویسنده در این اثر به مباحث تئوری و نظری در باب کتابت و انشا نیز نپرداخته است. این منشآت صرفاً مجموعه‌نامه‌هایی است که جامی در موضوعات گوناگون به افراد مختلف نوشته است. بنابراین، می‌توان آن را نمونه‌ای عملی از انشا دانست که به لحاظ اهمیت تاریخی و اصطلاحات دیوانی و حقوقی ارزش بسیاری دارد.

سبک نثر منشآت جامی همان سبک کلی آثار ترسل و انشای دوره تیموری است، البته به نسبت آثار معاصران در برخی از نامه‌ها مصنوع‌تر و متکلف‌تر، به‌ویژه در مراسلاتی که با خواجه جهان عمادالدین محمود گاوآن (ملکالتجار) داشته است. جامی در نامه‌ها و پاسخ‌هایی که به این استاد نویسنده نوشته، نثر فنی و مصنوع را به بالاترین درجه به خدمت گرفته است، و این نامه‌ها نسبتاً مطمئن و مفصل و سرشار از اشعار عربی و فارسی و آرایه‌های ادبی است (جامی، 1378: 240، 274، 283).

نکته شاخص در باب سبک نثر منشآت جامی این‌که جامی به اشعار فارسی خود استشهاد کرده است و چون جامی شاعر بوده، این خصوصیت در منشآتش بسیار چشمگیر است. مورد دیگر درباره منشآت جامی عرضه‌داشت‌های بسیار و البته مختصر و موجزی است که جامی در باب توصیه و سفارش به بزرگان نوشته و اکثر قریب به اتفاق این

عرضه داشت ها با عبارت «الفقیر عبدالرحمان الجامی بعد از عرض نیاز عرضه داشت آن که ...» آغاز می شود.

8.3 فرائد غیائی

کتاب فرائد غیائی مجموعه بزرگی است که بیش از ششصد و پنجاه نامه دیوانی و درباری و دوستانه و عارفانه را از دانشمندان و فرمانروایان و شاعران از سده دوم تا سده هشتم هجری شامل است و فهرست نویسندگان نامه به حدود دویست نام کمابیش مشهور و غیر مشهور می رسد (یوسف اهل، 1355: 1/ هفده).

قسمت عمده نامه هایی که در این کتاب می خوانیم اثر قلم وابستگان دودمان شیخ احمد جام است که مؤلف نیز شخصاً یکی از آنهاست ... و هدف مؤلف در درجه اول گردآوردن منشآت مشایخ این خاندان بوده است (همان: هجده).

همین طور مؤلف آنچه از نامه های نویسندگان مشهور قرون گذشته به دست آورده در اثرش گنجانده است، همچون نامه هایی از امام محمد غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی، و علاءالدوله سمنانی.

مؤلف اثر، «جلال الدین یوسف بن شمس الدین محمد بن شهاب الدین عبدالله جامی، مشهور به یوسف اهل مروی ادیب، از خاندان شیخ جام است» (همان: بیست). از شرح احوال وی اطلاع چندانی در دست نیست جز آن که خواندمیر در حیب السیر در باب او می نویسد:

از مصنفاتش ترسلی مشتمل بر منشآت اکابر سلف در میان مردم مشهور است و این توضیح ظاهراً بر مؤلف فرائد غیائی درست تطبیق می کند (همان: بیست و یک؛ خواندمیر، 1353: 4/ 104).

«در نسخه های مختلف فرائد غیائی حدود بیست نامه از یوسف اهل نقل شده که اکثر دوستانه است» (یوسف اهل، 1355: 1/ بیست و یک) و از نظر سبک ادبی خالی از لطف و هنر نیست، ولی مطلبی تاریخی که پرده از حوادث زندگی مؤلف برکشد ندارد» (همان: بیست و سه). «یوسف اهل فرائد غیائی را در سال 834 آغاز کرده است و در سال 837 قمری به پایان رسانیده است» (همان: بیست و شش و بیست و هفت).

از نکات حائز اهمیت در تدوین فرائد غیائی و روش تدوین نامه ها در این اثر آن است که:

یوسف اهل در نامه‌هایی که پیدا می‌کرده و عده زیادی از آن ظاهراً به خط نویسندگان اصلی بوده است دست برده و مانند یک مدیر تحریر یا مصحح امروزی جرائد ... سبک آن‌ها را به ذوق و سلیقه خود تهذیب و تحریف کرده است (همان: بیست‌وهشت).

اگر اول و آخر بعضی افتاده بود وی شخصاً اول و آخری برای آن ساخته و اگر مکتوبی مشحون از اشعار و امثال و آیات نبوده و در نظر او چون عروس عاری از لباس جلوه می‌نموده است، وی برای آن زیور الفاظ عبارات لازم را پرداخته است ... و ظاهراً به همین علت است که مراسلات این مجموعه، با وجود این‌که از قلم نزدیک به دوست نویسنده ... بیرون آمده، از حیث سبک تا این حد که می‌بینیم شبیه به یک‌دیگرند ... و اوائل و اواخر آن‌ها چه بسیار که شبیه به یک‌دیگر و گاه عیناً یکی است (همان: 8).

یوسف اهل تألیف *فرائد غیائی* را کاری بس بزرگ دانسته و بر آن بوده است که او نام صدها شاعر و ادیب و دانشمند را زنده جاوید کرده است، درست مثل فردوسی (همان: سی‌ویک).

این اثر، آن گونه که یوسف اهل در مقدمه نوشته است، دارای ساختاری منظم و موضوعی است که در ده باب مدون شده و نویسندگان نام‌های گردآوری شده را به ترتیب موضوعی در فصول دهگانه ارائه نموده است.

به هر روی، «*فرائد غیائی*»، افزون بر فواید بسیار، برای آگاهی از رویدادهای تاریخی و اجتماعی قرن هشتم، به‌ویژه خراسان و هرات، منبعی است مهم و باارزش» (صالحی، 1380: 77).

9.3 مطلع سعدین و مجمع بحرین

مطلع السعدین، تألیف کمال‌الدین عبدالرزاق بن اسحاق سمرقندی، نیز شامل نمونه‌هایی از مکاتیب دیوانی عهد تیموری است (مردانی، 1377: 41). به‌رغم آن‌که اثر مزبور در موضوع تاریخ است، برخی از احکام و مکتوبات رسمی و سلطانی و فتح‌نامه‌ها در این اثر آمده که می‌توان آن را به لحاظ ترسل و انشا و آشنایی با سبک نثر این نامه‌ها در عصر تیموری حائز ارزش دانست.

این کتاب، به علت آن که هم مستند است بر مآخذ متقن و هم از اطلاعات و یادداشت‌های رسمی دربار تیموری و نیز از مشاهدات مستقیم مؤلف در تدوین آن استفاده شده، از جمله جامع‌ترین و معتبرترین کتب تاریخ عهد تیموری است (صفا، 1383: 514/4).

«شیوه انشای کمال‌الدین در این کتاب منشیانه ولی دور از مبالغات ادیبانه و تصنعاتی است که در غالب کتب تاریخ قرن هفتم و هشتم می‌بینیم» (همان). برخی از توصیفات او در این کتاب از جمله قطعات خوب نثر فارسی است (همان).

از نمونه مکتوبات و نامه‌های ذکر شده در اثر می‌توان به فتح‌نامه‌های متعددی اشاره کرد، از جمله «ذکر فتح دارالملک شام به دست اقتدار سپاه بهرام‌انتقام» (کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، 1383: 862/1) که همه ارکان فتح‌نامه در آن مشهود است. علاوه بر این دست مکتوبات، گاهی امثله و مناشیر و سلطانیات هم در این کتاب به چشم می‌خورد که به لحاظ ترسل و انشا ارزشمند است، مانند «ذکر تفویض ایالت شیراز به امیرزاده پیرمحمد نوبت دوم و اصفهان به امیرزاده رستم» (همان: 971).

10.3 مخزن‌الانشاء

از دیگر آثار ترسل و انشای دوره تیموری کتاب ارزشمند و برجسته مخزن‌الانشاء، نوشته ملاحسین کاشفی، است. در این کتاب نمونه‌های انشا در موارد مختلف نامه‌نگاری و برای طبقات گوناگون اجتماع به قلم مؤلف تحریر شده است. کاشفی کتاب مخزن‌الانشاء را برای سلطان حسین میرزای بایقرا و امیرعلیشیر نوایی به سال 907 ق نوشته (صفا، 1383: 525/4).

واعظ کاشفی در آغاز مخزن‌الانشاء چنین می‌نویسد:

انشا در دو قسم انحصار دارد: یکی محاورات و مخاطبات ...؛ و دیگر توقیعات و اطلاعات که مضامین آن منظوری بر امثله و احکام سلاطین و حکام باشد و همگان را معلوم است ... و مفهوم که ضابطه ترکیب و قاعده ترتیب انشای هر یک از این دو رقم به حسب ازمنه و اوقات مختلف و متفاوت می‌شود و اسالیب تراکیب منشیان سابق با وجود تفوق در مراتب فصاحت و ترقی بر مدارج بلاغت به واسطه آن که مصطلح اهل زمان نیست، طبع ابنای روزگار به مطالعه آن مایل نمی‌گردد ... غرض از تمهید این مبانی ... آن که مدتی مدید و عهدی بعید بود که فقیر حقیر، حسین بن علی الکاشفی ... می‌خواست که در قسم اول از قسمین منشآت رساله‌ای ترتیب کند که الفاظ و عبارات واقعه در مکاتیب با ذهن اکثر ارباب زمان آشنا بود و تشبیهات و استعارات آن از سمت اغلاق و تعقید مبراً و معراً، اما به سبب موانع روزگار ... در نقاب توقّف و حجاب تعویق مانده بود (کاشفی، نسخه خطی مخزن‌الانشاء: 3 a).

درباره موضوع کتاب می‌نویسد:

بعضی از قواعد ضروریه در اصول این فن سمت ترقیم یافت و صورتی چند از انواع مکاتبات و اصناف مراسلات خطابی و جوابی و از احوال آنچه غالباً مسطور و مزبور می‌تواند شد رقم ترسیم پذیرفت و جراید نثر را ... با فواید نظم ... در یک سلک پیوند داد (همان: 4 b).

این اثر دارای ساختار منظم و فصل‌بندی دقیقی است که کاشفی در دیباچه بیان کرده است. در این اثر کاشفی به بیان مبانی نظری و علمی ترسل و انشا اهتمام داشته است:

و اساس این رساله، که موسوم است به مخزن‌الانشاء، بر عنوانی و سه صحیفه و خاتمه لایق افتاد. عنوان در بیان آنچه کاتب را از دانستن آن گزیر نیست. صحیفه اولی در خطابیات؛ صحیفه ثانیه در جوابیات؛ صحیفه ثالثه در احوال ضروری‌الذکر. خاتمه در اثبات بعضی از مکاتیب و رفاع اکابر و ایراد صفات برخی از اشیا که در اثنای کتابت احوال بدان احتیاج می‌افتد (همان: 4 b).

و در ذیل هر یک از فصول چند بخش جزئی را منقسم کرده و مبانی نظری کتابت را با دقت و موشکافی بیان و برای هر مورد مثال‌ها و نمونه‌های متعددی ذکر کرده است. سبک نثر به شیوه فنی و مایل به مصنوع است.

11.3 نامه نامی

«نامه نامی مجموعه‌ای است از منشآت دیوانی خواندمیر» (صفا، 1383: 4/ 543). خواندمیر در دیباچه اثر در باب تألیف نامه نامی چنین می‌نویسد:

و بنده فقیر و ذره حقیر غیاث‌الدین ابن همادالدین المدعو به خواندامیر ... که خوشه‌چین خرمن آن طبقه سخندان ... است ... همواره به انشای لغات غریب و املائی منشآت بدیع ... راغب می‌بود و هر گاه از شواغل جزئیه اندک فراغتی دست می‌داد به سواد الفاظ و عبارات بلاغت آیات اشتغال می‌نموده ... این خیال در سر و این اندیشه در خاطر پیدا شد که سطری چند از نهان‌خانه ضمیر بر صفحه ظهور آورده و الفاظی دلپذیر در شیوه ترسل بر صحایف خواطر نگارد مشتمل بر مکاتیب انام و محتوی به مناشیر سلاطین ... و آنچه مکنون خاطر فاتر بود مرقوم خامه اهتمام گردید (خواندمیر، نسخه خطی نامه نامی: 2).

این اثر بر اساس ساختار و فصل‌بندی دقیق و منظمی که نویسنده در مقدمه نگاشته تدوین شده است. نویسنده، علاوه بر بیان تاریخچه‌ای از کتابت و دبیری و بیان مختصر مبانی نظری کتابت و ترسل، نمونه نامه‌های حکومتی و سلطانی را به دست می‌دهد، مانند «در جواب رقعۀ امیر شجاع‌الدین ...» (همان: 4). خواندمیر انواع منشآت را به سه قسم تقسیم می‌کند:

و عمده منشآت به سه قسم منقسم می‌شود: اول، تواریخ توالیف و قصص و آثار؛ دوم، تحریر مناشیر؛ سیم، انشای مکاتیب بر اسلوب غریب. و بعضی از فضلا در اقسام ثلاثه کامل بوده‌اند و مرجع اکابر و افاضل، مانند ... مولانا شرف‌الدین علی یزدی ... و جناب عالی‌مقدار خواجه شهاب‌الدین عبدالله صدر و بعضی از این اقسام در قسم مهارت تمام داشته‌اند، مثل زبده اکابر آفاق مولانا کمال‌الدین عبدالرزاق و حضرت مخدومی مرحومی ... امیرخواند که هر یک در فن انشای اخبار و انشای حکایات غرابت آثار ... نادره ادوار بودند و جناب فصاحت‌شعار مولانا کمال‌الدین عبدالواسع نظامی و جناب بلاغت‌دثاری مولانا معین‌الدین محمد الاسفزاری که در فن انشا نشان و مکتوب ید بیضا می‌نمودند و فرقه، که در انشای نشان به صفت مهارت اتصاف می‌یابند، در اکثر احوال ملازم درگاه سلاطین می‌باشند ... و بعضی از ایشان به منصب پروانه و رسالت نیز سرفراز گشته‌اند (همان: 41، 42).

سبک نثر نامه نامی فنی مایل به مصنوع است و، البته همسو با سایر آثار ترسّل و انشای عصر تیموری، همه ویژگی‌های آثار کتابت دوره تیموری در منشآت و مکاتیب او نیز به چشم می‌آید.

نامه نامی خواندمیر در سال 1968 میلادی به همت گوتمفرید هرمان به عنوان رساله‌ای زیر نظر والتر هیتس و به تشویق هانس روبرت رویمر تصحیح و به آلمانی ترجمه شد (صالحی، 1380: 60).

12.3 ترسّل اسفزاری

ترسّل، اثر اسفزاری، در زمینه کتابت و انشاست. مؤلف اثر هم خود آن را به این عنوان نامیده است. از این اثر با عناوینی چون «رساله قوانین»، «منشآت»، و «انشای معین» هم یاد شده است. هرمان آته در تاریخ ادبیات فارسی از ترسّل اسفزاری به عنوان اثری «که اهل مشرق آن را اهمیت خاصی قائل‌اند» نام می‌برد (1357: 246) و خواندمیر هم، همان‌گونه که در حیب‌السیر و نامه نامی آورده، از اسفزاری به عنوان «عمده مترسلان زمان» (1353: 4/348) نام می‌برد و به همین سبب «نخستین اثر او، که در فن ترسّل نگاشته شده و مشتمل بر فرمان‌ها و نامه‌های دیوانی که خود انشا کرده بود، در میان اهل فن شهرت داشت» (صفا، 1383: 4/537). اسفزاری در ترسّل «مکاتیبی را که سلطان حسین نوشته ثبت کرده» است (نفیسی، 1363: 1/252). البته، قصد نویسنده از تألیف اثر بیان موازین کتابت و دبیری به صورت نظری نیست، بلکه قصد دارد، با بیان مکاتیب در موضوعات گوناگون،

الگو و سرمشقی عملی برای کاتبان و نیز عامه مردم به دست دهد. ترسل در طبقه‌بندی انواع منشآت و آثار انشا هم در زمره آثاری است که از «لحاظ فن کتابت و روش نویسندگی و طرز نامه‌نگاری» (صالحی، 1380: 1-2) حائز اهمیت‌اند - توسط «منشیانی چیره‌دست و هنرمند برای هنرنمایی در فن ترسل انشا شده‌اند و لذا بعدها برای آموزش عملی انشا سرمشق هنرجویان این رشته و حتی دبیران قرار گرفته‌اند» (همان) - و هم در شمار آثاری است که با «عنوان مجموعه اسناد یا مکاتبات تاریخی (و سیاسی) شناخته شده‌اند...» (همان: 2). مؤلف در نگارش ترسل طرح و ساختار منظمی اختیار کرده و نامه‌های گوناگون را، به لحاظ ساختاری و موضوعی، در فصول و منشآت جداگانه تقسیم کرده است. با وجود این، اسفزاری از بیان مبانی نظری کتابت و انشا غفلت نورزیده است. اسفزاری درباره هدف خویش از تألیف ترسل در دیباچه این اثر نوشته است:

چون همیشه خاطر اقبال مآثر بر غرایب عبارات و رغایب استعارات مایل می‌بود، مصلحت وقت چنان اقتضا نمود که به ایراد این اوراق بر سبیل ترسل توسل نموده، بعضی احکام و مکتوبات و رقاع و مقدمات، که در هر باب اتفاق افتاده، تدوین داده شود و آن چه دیگر در این ایام طبیعت افسرده و قریحت پژمرده مسامحت نماید، بدان ضم ساخته، بر منصفه عرض نهد تا سالکان این سنن و طالبان این سنن را مددکاری باشد (اسفزاری، نسخه خطی ترسل: 16).

انواع گوناگون نامه‌های رسمی و غیررسمی در این اثر آمده؛ می‌توان به گونه‌هایی اشاره کرد: امثله، مناشیر، سلطانیات، اخوانیات، عرضه‌داشت‌ها، اجوبه، نامه‌های تسلیت، فتح‌نامه، مقدمه‌نویسی بر آثار معاصران، کتابه‌ها، انشای لوح مرقد و قطعه‌های تقاضایی (اسئله). سبک نثر ترسل اسفزاری، که در فن انشا و کتابت نگاشته شده، نمایانگر نثر فنی و مزین دوره تیموری است.

13.3 همایون‌نامه

یکی دیگر از مجموعه منشآت تألیف شده در قرن نهم همایون‌نامه است. محمد بن علی بن جمال‌الاسلام ملقب به «منشی» یا «شهاب منشی»، مؤلف همایون‌نامه، از مردم یزد بوده است. همایون‌نامه مجموعه‌ای از مناشیر و فرمان‌ها و رسائلی است که مؤلف آن را به نام خواجه غیاث‌الدین پیر احمد خوافی تألیف کرده است. مجموعه مذکور دربرگیرنده نامه‌هایی است که از اواسط قرن هشتم تا اواسط قرن نهم هجری به قلم منشیان یک قرن به

رشته تحریر درآمده است. پدر مؤلف همایون‌نامه، غیاث‌الدین علی بن جمال‌الاسلام یزدی، از منشیان دربار شاه یحیی مظفری بود و، به علت حقوق خدمتی که در درگاه مزبور داشت، فرزندش، محمد بن علی بن جمال‌الاسلام یزدی، نیز به خدمت در دیوان ترسل شاهرخ و فرزندانش منصوب شد و در سایه عنایت وزیر باتدبیر شاهرخ میرزا، یعنی خواجه غیاث‌الدین پیر احمد خوافی، قرار گرفت (یزدی، 1356: یک تا پانزده).

از نامه‌هایی که به قلم خود مؤلف نگارش یافته فقط چند مکتوب در همایون‌نامه ثبت شده است (همان: 60، 62، 80) و مابقی مجموعه حاوی نامه‌هایی است از پیش‌نویس‌ها و مسودات بایگانی پدر مؤلف (همان: 151). کتاب همایون‌نامه مجموعه ارزشمندی است دربارهٔ اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی و بسیاری از وقایع تاریخی دوران حکومت آل مظفر و شیوهٔ نامه‌نگاری در دیوان‌های آن عهد. این اثر اطلاعات سودمندی در اختیار خوانندگان و محققان قرار می‌دهد (مردانی، 1377: 40). جامع و مؤلف این منشآت در آغاز کتاب به هدف خود از تدوین چنین اثری اشاره کرده است. از فحوای کلام او درمی‌یابیم که قصد او فراهم آوردن الگوهایی در امور مختلف دیوانی و غیر آن بوده تا طالب علمان و مترسلان را به کار آید و بلاغت افزایش و رهنمون و الگویی در راه فراگیری فن ترسل باشد (یزدی، 1356: سه). این اثر به لحاظ سبکی نیز می‌تواند برای کسانی که به تحقیق در سبک‌شناسی نثر فارسی می‌پردازند مفید باشد (همان). علاوه بر این، اثر حاضر از نظر اشتغال بر مکاتبات تاریخی و نشان‌دادن چگونگی وظایف و مسئولیت‌های بسیاری از مشاغل و مقامات مملکتی، که امور عمومی را برعهده داشته‌اند، واجد اهمیت بسیار است (صالحی، 1380: 76).

4. نتیجه‌گیری

در پایان، مهم‌ترین نتایج پژوهش فهرست‌وار بیان می‌شود:

- در دورهٔ تیموری آثار بسیاری در زمینهٔ کتابت و انشا تألیف می‌شود و منشیان بزرگی ظهور می‌کنند.
- به‌رغم ساده‌تر شدن نثر فارسی، گرایش سبکی ترسل و انشا در این دوره به نثر فنی و مصنوع است.
- شیوهٔ نگارش مکاتیب دیوانی و غیر دیوانی (رسمی و غیررسمی) ادامهٔ سنت نامه‌نگاری مترسلان دورهٔ مغول است، یعنی رعایت ساده‌نویسی و ایجاز و اختصار. اما

گروهی از دبیران متصنّع درباری به تقلید از معیارهای نامه‌نگاری قرون ششم و هفتم می‌پرداختند و تا حدودی در نامه‌های خود به ایراد تکلفات، آوردن لغات دشوار عربی و ترکیبات تازی، اقتباس از اخبار و آیات و شواهد و امثله عربی و درج و تضمین اشعار اهتمام می‌نمودند.

- آثار کتابت و انشای این دوران در سه طبقه جای می‌گیرد: ادبی، آموزشی (الگوهای نظری و عملی)، و تاریخی.

- اغلب آثار این دوره در طبقه اسناد تاریخی جای می‌گیرند، با این حال، حائز ارزش‌های ادبی و سبکی‌اند.

- در برخی از آثار صرفاً شاهد رویکرد علمی و آموزشی به ترسل هستیم و در برخی دیگر از آثار خود نامه‌ها و نحوه نگارش در حکم الگوی کتابت به‌شمار می‌آید.

- همه انواع مکتوبات، اعم از رسمی و غیررسمی، در آثار کتابت این عصر مشهود است، ولی بسامد مکتوبات رسمی بیش‌تر است.

- سنت مقدمه‌نویسی بر آثار دیگر نویسندگان از جمله سننی است که در این عهد نمود یافته است، از باب نمونه منشاء/انشاء نظامی هروی و ترسل اسفزاری.

- به لحاظ ارکان و ساختار تغییر چندانی در نامه‌ها و منشآت مشاهده نمی‌شود.

- اغلب آثار حالتی عملی دارند و تعداد کم‌تری از تألیفات به صورت نظری به بیان آداب و فنون کتابت پرداخته‌اند.

پی‌نوشت

1. عناوین و القاب در این عصر و در هر نامه به تناسب منصب و شغل مخاطب نامه ارتباط معنایی دارد و نویسنده عناوینی را به اقتضای مرتبه مخاطب نامه نیز به کار برده است. «تعداد نعوت و عناوین در مکتوب به تفاوت و امتیاز رتبت و مقام بین کاتب و مخاطب بستگی» دارد (خطیبی، 1375: 325).

2. در آثار متقدمان عناوین مختلف و متعددی می‌یابیم که به اسناد دیوانی اطلاق می‌شده است، مانند منشور، فرمان، مثال، توقیع، یرلیغ، التمغا، پروانچه، عهد، نشان، رقم، طغرا، حکم، ملطفه، مواضعه، مخاطبه، تعلیقه، برات، و بسیاری دیگر (فائم‌مقامی، 1350: 5، 6، 43).

3. ترسل، در اصطلاح نویسندگان قدیم، کتابی بوده است مشتمل بر نظم و نثر که به خطوط مختلف نوشته می‌شد و کودکان در مکتب‌ها از روی آن شیوه انشای کتابت را می‌آموختند (اکبرآبادی (بی‌تا): 80).

منابع

- اته، هرمان (1355). *تاریخ ادبیات فارسی*، ترجمه صادق رضازاده شفق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اسفزاری، معین‌الدین، نسخه خطی ترسل، تحریر یافته در قرن نهم، به شماره 436-13718، محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- اکبرآبادی، سراج‌الدین علی (بی تا). *فرهنگ چراغ هدایت*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: معرفت.
- بهار، محمد تقی (1386). *سبک‌شناسی*، ج 3، تهران: امیرکبیر.
- بیانی کرمانی، عبدالله بن محمد (1390). *مونس‌الاحباب: مجموعه رباعیات مروارید*، به کوشش سیدعلی میرافضلی، تهران: کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان (1378). *نامه‌ها و منشآت جامی*، تصحیح عصام‌الدین اورون بایف و اسرار رحمانوف، تهران: میراث مکتوب.
- خطیبی، حسین (1375). *فن نثر در ادب پارسی*، تهران: زوار.
- خواجه عبدالله مروارید (1951). *شرف‌نامه*، ترجمه و تفسیر هانس روبرت رویمر، ویسبادن: هیئت مستشرقین فرهنگستان مانیس.
- خواجه عبدالله مروارید. نسخه خطی ترسل یا منشآت مروارید، به شماره 2254 محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (1353). *حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر*، ج 4، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: کتاب‌فروشی خیام.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (1356). *دستورالوزراء*، تصحیح سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- خواندمیر، غیاث‌الدین. نسخه خطی نامه نامی، به شماره 7075، محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی.
- دانش‌پژوه، محمد تقی (1349). «دبیری و نویسندگی»، *مجله هنر و مردم*، ش 101.
- رزمجو، حسین (1374). *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- سام‌میرزا صفوی (1384). *تحفه سامی*، تصحیح رکن‌الدین همایونفرخ، تهران: اساطیر.
- صالحی، نصرالله (1380). «کتاب‌شناسی توصیفی منشآت، مکاتبات، و نامه‌ها»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش 51 و 52.
- صفا، ذبیح‌الله (1383). *تاریخ ادبیات در ایران*، ج 4، تهران: فردوس.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (1350). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تهران: انجمن آثار ملی.
- کاشفی، کمال‌الدین حسین بن علی واعظ بیهقی، نسخه خطی مخزن‌الانشاء، به شماره 2510، محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی (1383). *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، ج 1، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گاوان، عمادالدین محمود (1938). *ریاض‌الانشاء*، تصحیح شیخ چاند بن حسین، حیدرآباد دکن: دارالطبع سرکار عالی.

گاوان، عمادالدین محمود، نسخه خطی مناظرالانشاء، به شماره 3575، محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

مردانی، فیروز (1377). «ترسّل و نامه‌نگاری در ادب فارسی» مجله کیهان فرهنگی، ش 147.

مهدی‌زاده، مهدی (1378). «تاریخچه منشآت در ادب فارسی» مجله کیهان فرهنگی، ش 154.

میبدی، حسین (1356). منشآت میبدی، تصحیح نصرت‌اله فروهر، تهران: میراث مکتوب؛ نشر نقطه.

نظامی، نظام‌الدین عبدالواسع (1357). منشأالانشاء، تألیف شهاب‌الدین احمد خوافی، به کوشش رکن‌الدین همایونفرخ، ج 1، تهران: دانشگاه ملی.

نقیسی، سعید (1363). تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی، تهران: فروغی.

واحد، اسدالله (1378). «ترسّل و انشای فارسی از آغاز تا قرن ششم» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ش 172.

یزدی، معین‌الدین علی (1356). همایون‌نامه، تصحیح رکن‌الدین همایونفرخ، تهران: دانشگاه ملی ایران.

یوسف‌اهل، جلال‌الدین (1356). فرائد غیائی، به کوشش حشمت موید، ج 1، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.